

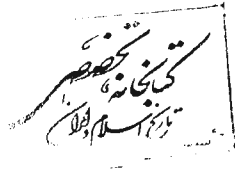


چرا یورش؟

چرا سازش؟

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

(کمیته کردستان)



### مقدمه

سه ماه از یورش سرکوبگرانه رژیم به کردستان می‌گذرد در این مدت خلق کرد با دلاوریها و جانفشانیها و دادن شهدای بسیاری اراده استوار خویش را در بدست آوردن خواست عادلانه‌اش " خود مختاری " نشان داده و ثابت کرده‌است . امروز در پرتو این ایستادگیهای قهرمانانه است که هیئت حاکمه ناچاراً " مسئله مذاکرات را پیش کشیده و بظاهر راه حل مسالمت‌آمیز برای مساله کردستان پیشنهاد می‌نماید . خلق کرد شایستگی و توانایی خود را در این مدت در میدان نبرد به اثبات رسانده است اما در مبارزه‌ای که طی این دوران جریان داشته و تا پیروزی نهایی و تحقق خود - مختاری واقعی جریان خواهد داشت . پهنه مبارزه تنها میدان نبرد نظامی نیست بلکه جنبه‌های ایدئولوژیک ، سیاسی ، دیپلوماتیک ، را نیز در بر می‌گیرد . در تمامی این زمینه‌ها است که خلق کرد بایستی شایستگی و لیاقت خود را نشان دهد تا بتواند بر تمامی توطئه‌های گوناگون دشمن چیره گشته و به هدف خویش برسد . این امر تنها موقعی امکان‌پذیر است که نیروهای مبارز و پیشرو بتوانند با بررسی جریانات و حوادث گذشته وضع موجود را به شکل صحیحی ارزیابی نموده و از آنجا به پیش‌بینی حوادث آینده و مقابله با آن

شناخته و بر این اساس توده‌ها را به‌درستی رهبری نموده و به‌پیروزی برسانند. هر نیروی انقلابی و راستینی که امروزه در کردستان در حد توانایی‌هایش گوشه‌ای از مبارزات خلق کرد را به‌پیش می‌برد وظیفه دارد که در شرایط جدید به‌وجود آمده که صداهای سازشکارانه‌ای بلند است، توده‌های کرد را در جریان توطئه‌هایی که بر علیه این خلق در حال شکل‌گیری است قرار دهد تا بتوان از این طریق بر هرگونه نفاق‌افکنی و تفرقه‌اندازی رژیم غلبه کرده و مبارزه خلق کرد همانگونه که تا به حال یکپارچه و متحد سرفنظر از معدودی عوامل خود فروخته و مزدور چون مفتی‌زاده‌ها و فتودالهای مرتجع، پیش‌رفته است به جریان رشد یابنده و کوبنده خویش ادامه دهد. چرا که جنبش کردستان پیوند ناگسستنی با سرنوشت آینده جنبش خلقهای ایران دارد. هر نیرو و هر فرد مبارز واقعی می‌باید در هر گوشه کردستان، شهر و یا روستا با پیوند مستمر و دائمی خویش با توده‌ها و کوشش در جهت روشن نمودن و پاسخ به سئوالات و ابهاماتی که این روزها در ذهن آنها در رابطه با مساله مذاکره و سازش پیش آمده بنماید. ما بتوان‌وسهم خود می‌کوشیم که در تحلیل مختصر و اجمالی زیر پس از بررسی کوتاهی در مورد موقعیت سیاسی - اقتصادی جامعه و موقعیت کردستان به مسائل جاری و توطئه‌های نوین ارتجاع و وظایف کمونیستها در مقابل آن بپردازیم.

### " " موقعیت سیاسی - اقتصادی جامعه " "

در تداوم اوضاع انقلابی جامعه قیام بهمن ماه توانست ضربه مهلکی بر رژیم وابسته شاه و امپریالیسم آمریکا وارد نماید و بساط ننگین سلطنت را برچیند. ولی این تنها بخش کوچکی از نیازها و خواسته‌های خلقهای زحمتکش ایران بود. آنچه که خواست و نیاز واقعی توده‌ها بود تداوم و ادامه انقلاب تا خاتمه دادن به تسلط امپریالیستها و بویژه امپریالیسم آمریکا در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی جامعه و محو و نابودی کامل مناسبات سرمایه‌داری وابسته بوده و می‌باشد. ولی قدرت حاکمه جدید بنا به خصلت سازشکارانه و ضد انقلابی بلافاصله دست به کوشش مذبوحانه‌ای زد تا از پیشروی انقلاب جلوگیری نماید و فریاد بر آوردند " انقلاب پایان یافته و دوران دوران سازندگی است!! " !

خرده بورژوازی مرفه به‌عنوان آلت دست و دستیار بورژوازی بطور مجدانه‌ای شروع به بازسازی و احیاء تمام ارگانهای ضدانقلابی و ارتجاعی رژیم سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم که بخصوص در دوران قیام بهمن ضربات مهلکی به آن وارد شده بود نمودند. زیرا ضد انقلاب در زمان نه‌چندان دوری بویژه به ابزار سرکوبگر رژیم گذشته از قبیل ارتش، ساواک، شهربانی، و ... برای سرکوب و

حاموش نمودن انقلاب نیاز وافر داشت و نیز از طرف دیگر شروع به سرکوب و از میان برداشتن تمام نهادهای خلقی و انقلابی توده‌ها نمود. ضد انقلاب اگر چه بخوبی توانست از مذهب و نفوذ وسیع آن در توده‌ها برای امیال ضد انقلابی و ارتجاعی خودکمال استفاده را بنماید ولی همانطور که در این مدت چند ماهه مشاهده نمودیم این ابزار نخواهد توانست برای همیشه کارساز باشد بحرانهای سیاسی، اقتصادی عمیق‌تر از آن است که رژیم قادر باشد برای حل آن برنامه‌ای هرچند کوتاه مدت داشته باشد. بر زمینه همین نابسامانیهای اقتصادی از قبیل تورم، رکود اقتصادی، بیکاری، کمبود احتیاجات اولیه معیشت و... از یکطرف و از طرف دیگر بالا بودن روحیه و تب و تاب انقلابی توده‌ها و پی بردن به نیروی لایزال خودشان در طی انقلاب همگی بیان این مسئله است که اگر چه دامنه مبارزات انقلابی توده‌ها نسبت به قبل از قیام کاهش یافته (باتوجه به اینکه در بعضی نقاط از جمله کردستان این دامنه وسعت بیشتری داشته است) ولی بعد از این افت نسبی، در زمینه همین بحرانهای اقتصادی سیاسی، جامعه وارد اعتلای نوینی گردیده.

مبارزات کارگران بیکار برخوردارهای انقلابی و مبارزات دهقانان با فئودالها و مالکین و کمیته‌ها، مبارزات زحمتکشان شهری در مورد مسئله مسکن - مبارزات درخشان صیادان بندر انزلی، مبارزات دانشجویان و دانش‌آموزان و در رأس آنها مبارزات ملی خلقها بخصوص خلق قهرمان کرد نمونه‌های برجسته‌ای است دال بر وجود اعتلای نوین.

هیئت حاکمه که از درون سازش با امپریالیسم و ارتجاع و به دنبال کشیدن خرده‌بورژوازی گیج سر و بی‌برنامه به دنبال خود، شکل گرفته در مقابل بحرانهای اقتصادی سیاسی موجود و در زیر

فشار مبارزات توده‌ای خلقها نتوانسته و نمی‌تواند آنچنان برنامه و سیاستی را اتخاذ نماید که منجر به تخفیف این بحرانها گردد. از طرف دیگر امواج رشد یابنده مبارزات توده‌ها و خلقهای زحمتکش عامل مهمی در تشدید تضادهای درونی هیئت حاکمه گردیده‌است. بنابراین بر بستر این اوضاع بحرانی جامعه و جو و روحیه بالای انقلابی توده‌ها، و عدم وجود قدرت متمرکز و سازمان یافته ارتجاع است که به بررسی موقعیت جنبش کردستان می‌پردازیم.

کردستان پرچمدار مبارزات ضد امپریالیستی و دمکراتیک خلقهای ایران:

بعد از قیام بهمن ماه در حالیکه از همان فردای قیام میوه - چینان انقلاب و انحصارطلبان و خائنین به خلق در جهت مهار زدن به جنبش توده‌ای تلاشهای مذبحخانه را آغاز کرده و در اکثر نقاط ایران موفق شدند با وانمود کردن خود به عنوان یک رژیم مردمی با ایجاد توهم در توده‌ها خود را به توده‌ها بقبولانند. در حالیکه حرکت اعتراضی توده‌های زحمتکش ایران در رابطه با خواسته‌های به حقشان از طرف رژیم سرکوب می‌گشت کردستان به تدریج به کانون مبارزات طبقاتی و ملی تبدیل می‌شد. زحمتکشان کرد که در طی سالیان دراز حکومت سیاه خاندان پهلوی در زیر بار ستم طبقاتی و ملی کردستان خم گشته بودند و عوارض اقتصادی، سیاسی، فرهنگی ناشی از عقب‌نگه داشته شدن کردستان به توسط رژیم وابسته به امپریالیزم را تحمل کرده بودند، توانستند از یک طرف به دلیل شرایط نسبتاً مساعد سیاسی و از طرف دیگر بعزت فعالیت‌های مستمر نیروهای انقلابی در جهت از بین بردن ستم طبقاتی و ملی مبارزات خود را اوج تازه‌ای بخشند. در هر گوشه و کنار کردستان شوراها ده و اتحادیه‌های دهقانی به وجود آمد گر

چه تعدادی از این شوراها و اتحادیه‌ها نه در رابطه با نیازها و خواسته‌های خود توده‌های روستایی و سطح مبارزاتشان، بلکه در رابطه با تحمیل اراده و خواست روشنفکران مبارز شهری به وجود آمده بودند. اما در مجموع این شوراها و اتحادیه‌های دهقانی در جریان حرکت رشد یابنده خود و مبارزاتشان بر علیه ارتجاع محلی و زمینداران که توسط دولت و ارتش ضد خلقی و ارتجاع حاکم بر علیه روستائیان بسیج و مسلح شده بودند، به ارگانهای اعمال حاکمیت توده‌ای تبدیل می‌گشتند. در شهرها نیز حرکتها و مبارزاتی از جانب زحمتکشان شهری و نیروهای خلقی و نیروهای مبارز انقلابی در جهت طرح خواسته‌های طبقاتی و ملی صورت می‌گرفت. تبلور و تجسم این خواسته‌ها قطعنامه‌های هشت‌ماده‌ای مهاباد و سنندج می‌باشد. خلق کرد چه در شهر و چه در روستا در جریان مبارزات روزمره خود در برخورد با ارتجاع محلی و زمینداران و در برخورد با ارتش و دولت ضد خلقی و ارتجاع ضد انقلابی سلطه طلب انحصارگر از یک‌طرف بماهیت رژیم سرمایه‌داری وابسته به امپریالیزم ایران بیشتر از پیش پی می‌برد و هرگونه توهمی را نسبت به وعده‌های آنچنانی جمهوری اسلامی از دست می‌داد و از طرف دیگر هر روز بیشتر از پیش همبستگی و پیوند مبارزاتی خود را تحکیم بخشیده\* متحد و یکپارچه با درکی عمیقتر از مسائل ملی و خودمختاری\*\* می‌رزمید. در زمانی که در گوشه و کنار ایران توده‌های میلیونی یا در توهم نسبت به

---

\* واقعه عید نوروز سنندج و جریان مریوان.

\*\* مثلاً "درک مسائلی از این قبیل که ارتجاع محلی (مفتی‌زاده ، شیخ گزگسک) از زمینداران و فئودالها پشتیبانی می‌کنند و به مردم خیانت می‌کنند، در حالیکه خود گرد هستند.

رژیم حاکم بسر می‌بردند و تحقق خواسته‌های اصیل و انقلابیشان را در قالب برنامه‌ها و سیاستهای دولت و ارتجاع حاکم امکان پذیر می‌دیدند و یا هرجایی که توهمشان فرو ریخته و حرکت‌های اعتراضی را شروع می‌کردند با مارک ضد انقلاب روبرو گشته و سرکوب می‌گشتند. و در زمانی که نیروهای انقلابی علیرغم وجود جو فعالیت نسبتاً " علنی تحت تعقیب قرار گرفته و دوباره همانند زمان رژیم محمد رضا شاه به شکنجه‌گاهها و زندانها کشانده می‌شدند و دست‌آوردهای توده‌ها در قیام بهمن‌ماه هر روز آشکارتر از هر زمان دیگری مورد تهاجم و تجاوز قرار می‌گرفت، در کردستان خلق کرد در جهت اعمال حاکمیت خود و تحقق خواسته‌هایش قدمهای پرشتابتری را برداشته و حاکمیت رژیم وابسته به امپریالیسم ایران را پیوسته ضعیفتر می‌کرد.

از اینجا بود که جنبش کردستان نقش پرچمدار مبارزات ضد امپریالیستی و دمکراتیک خلقهای ایران را به خود می‌گرفت. و نگاههای آرزومند و نگران زحمتکشان سراسر ایران و نیروهای رزمنده انقلابی را به سمت خویش جلب می‌نمود.

" دلایل پیشرو بودن جنبش کردستان "

خلق کرد از دیرباز بار سنگین ستم طبقاتی و ملی را بردوش کشیده‌است. و همین امر باعث گشته که این خلق بارها و بارها بر علیه این ستم دوگانه به‌پا خواسته و مبارزات خود را در راه رهایی خویش پیگیرانه دنبال نماید. دیکتاتوری ننگین خاندان پهلوی طی سالیان دراز چه از طریق پایگاه طبقاتیش یعنی فئودالیسم قبل از اصلاحات ارضی و چه از طریق سرمایه‌داران وابسته و زمینداران وابسته به رژیم، زحمتکشان شهری و روستایی را شدیداً استثمار



نموده و به دلایل تاریخی مشخصی که به ملیت جداگانه خلق کرد، سابقه مبارزاتی‌شان، پیوند ملیتشان با اکراد سایر کشورها مانند عراق، ترکیه، ... هم‌مرز بودنشان با کشورهای همسایه و ... بر می‌گردد این بخش از میهنمان را عمداً و آگاهانه در عقب‌ماندگی همه‌جانبه اقتصادی، و اجتماعی نگه‌داشته بود. اجرای "اصلاحات ارضی" نیم‌بند، عدم حل مسئله ارضی در کردستان، عدم وجود کارخانه‌ها و مراکز صنعتی که بتواند نیروی کار خلق کرد را جذب نموده و زحمتکشان کرد را در جستجوی لقمه‌نانی آواره شهرهای دیگر ایران نسازد، جلوگیری از سرمایه‌گذاریهای صنعتی و معدنی در این بخش ایران و تلقی کردستان بعنوان صرفاً "بازار فروش کالاهای بنجل امپریالیستی و سرمایه‌داری وابسته در نتیجه محرومیت از مظاهر پیشرفت بورژوازی در کردستان همه و همه آن زمینه عینی هستند که کردستان را تا حدودی از دیگر نقاط ایران متمایز ساخته است که خود این زمینه عینی مبنای وجود مبارزهای مستمر و پیشرو که حتی تا به‌عالیترین شکل خود یعنی مبارزه مسلحانه نیز رسیده‌است می‌گردد. پس دلایل پیشرو بودن جنبش کردستان بطور محوری و خلاصه به‌قرار زیر است:

۱- وجود ستم دوگانه طبقاتی و ملی که برگرده خلق زحمتکش کرد سنگینی می‌کند هرچه بیشتر او را به میدان مبارزه می‌کشاند. آن خواست و شعار محوری که به‌راحتی و بلافاصله در حول آن بسیج می‌گردد مسئله احقاق حقوق ملی برای کردستان می‌باشد.

۲- وجود سابقه مبارزاتی مستمر و طولانی از همان زمان تقسیم مصنوعی خلق کرد در بین چهار کشور بعد از جنگ جهانی اول.

۳- وجود سنت مبارزه مسلحانه چه در خود کردستان ایران و چه تاثیر پذیری آن از مبارزات خلق کرد در عراق و ...

۴- به دلیل وجود زمینه ستم ملی ، ریشه‌دار نبودن فرهنگ مذهبی ارتجاعی حاکم ( همانند سایر نقاط ایران ) و عدم وجود حاکمیت مذهب وارگانهای روحانیت و از آنجا بوجود آمدن قدرت دوگانه بعد از قیام بهمن ماه از یک طرف قدرت هیئت حاکمه و از طرف دیگر قدرت خلق کرد که در ارگانهایی نظیر شوراهای شهر و ده و اتحادیه‌های دهقانی و غیره . . . تجلی می‌یافت .

۵- به دلیل دوگانه بودن قدرت ، ایجاد جو نیمه‌دمکراتیک و وجود میدان فعالیت برای نیروها و گروه‌های مبارز و انقلابی و بالنتیجه رشد مبارزات توده‌ها و در جریان آن درک هرچه عمیق‌تر توده‌ها از مسئله خودمختاری و ملی . ویژگیهای فوق‌الذکر در مجموع باعث جهشی در مبارزه این منطقه بوده‌است در حالی که در همین زمان در اکثر نقاط ایران ( بغیر از جاهایی نظیر ترکمن - صحرا و . . . که زمینه‌های عینی مبارزه تقریباً " شبیه کردستان است ) رشد مبارزات توده‌ها نسبت به کردستان در سطح پائین‌تری قرار داشت .

" چرا رژیم حاکم به کردستان یورش آورد؟! "

هنوز هفت‌ماه از انقلاب خونین و شکوهمند خلقمان نگذشته بود و هنوز توده‌های ملیونی در کوچه و خیابان ، در تب و تاب تحقق خواسته‌های خود بودند که رژیم حاکم در کمال بیشرمی با ندارک همه‌جانبه‌ای یورش چنگیز آسای خود را به کردستان آغاز کرد . ابتدا با تبلیغات وسیع خود خلق کرد را ضد انقلابی و تجزیه‌طلب و وابسته به بیگانه و ایادی رژیم شاه خائن و صهیونیزم قلمداد کرد و سپس در پی آن نیروهای سرکوبگر خود و سپاه پاسداران ارتجاع و ارتش ضد خلقی را روانه کردستان نموده ، و

پشت سر آن توده‌های ناآگاه و توهم زده سراسر ایران را بر علیه خلق کرد بسیج کرد. دار و دسته وابسته و ارتجاعی هیئت حاکمه دنبال این یورش مرتکب وحشیگریها و جنایاتی شد که روی چون زغال سیاه رژیم سرسپرده محمد رضاشاهی را سفید ساخت .

که جز این انتظاری نمی‌رفت، چرا که جنبش کردستان از حد توان و سیاستها، و برنامه‌ها و اهداف و سرانجام ماهیت این رژیم بسیار فراتر رفته بود، برای رژیم دو راه حل وجود داشت :

۱- قبول نمودن و پذیرش اهداف و خواسته‌های جنبش پیشرو کردستان .

۲- سرکوب جنبش ملی و دموکراتیک خلق کرد و احیاء و تقویت ارگانهای سرکوبگر خود در آنجا .

راه حل اول به هیچ‌وجه در چارچوب ماهیت این رژیم نمی‌گنجد که بتواند به آن پاسخ دهد. دیدیم که راه حل دوم بمثابة استراتژی رژیم در برخورد با مساله کردستان پذیرفته شد. و مرحله فعلی یعنی مرحله مذاکرات نیز در حقیقت جزئی از این استراتژی سرکوبگرانه در کردستان است .

## " مراحل سرکوب "

باتوجه به مطالب گفته شده روشن می‌گردد که رژیم حاکم نمی‌توانست ساکت و ناظر بوده و شاهد از دست‌رفتن کردستان ( بخیال‌خود) و قدرت‌یابی نیروهای انقلابی و رشد جنبش توده‌ای باشد. دارودسته حاکم بر ایران که بعد از کسب‌قدرت در قیام بهمن ماه نتوانسته بود حاکمیت خود را بر کردستان نیز اعمال نموده و ارگانهای سرکوبگر خود را مستقر نماید، از همان اوایل بعد از قیام در صدد سرکوبی جنبش روزافزون و اوج یابنده خلق کرد برآمد. در ابتدا رژیم به سهدلیل زیر نتوانست سرکوبی هماهنگ و همه‌جانبه را به توسط ارتش ضد خلقی و پاسداران ارتجاع سازمان دهد:

### ۱- ناتوانی ارتش:

ارتش شاهنشاهی که در زیر ضربات کوبنده توده‌های ملیونی در جریان قیام دچار ازهم پاشیدگی شده‌بود، احتیاج به بازسازی همه‌جانبه‌ای داشت تا بتواند زیر نام و پوشش " ارتش ملی و اسلامی؟!! " همان نقش سرکوبگر و ضد خلقی را برای قدرت حاکمه جدید ایران بازی کند.

۲- دیدگاه جناح‌هایی از رژیم ( بورژوازی لیبرال و بورژوازی کمپرادور) حاکم از همان ابتدا بر این بود که ارتش هرچه کمتر در درگیری‌های درون مرزی شرکت داشته باشد. چرا که انزجار و تنفر مردم از ارتش ضد خلقی فراتر از آن بود که بتوان از آن در همان اوایل برای سرکوبی مردم استفاده نمود. ( و هم‌اینکه هرچه ارتش در باتلاق جنگ داخلی بیشتر فرو می‌رفت، بازسازی ارتش به تعویق افتاده و انضباط درونیش دیگر بکلی از هم می‌پاشید. علاوه بر این در طی این دوران جریانهای مبارزی در درون ارتش شکل گرفته بود که از هرگونه دخالت ارتش در جریانهای داخلی جلوگیری می‌نمود).

۳- در آن ابتدا رژیم هنوز به‌آن اندازه‌ای که امروز متوجه آن شده به‌اهمیت و خطر جنبش خلق کرد در مقابل بقاء خود پی نبرده بود.

رژیم مساله سرکوب در کردستان را ابتدا از طریق غیر مستقیم پیش می‌برد، یعنی از طریق توطئه چینی، مسلح نمودن زمینداران، ایجاد سپاه پاسداران در مریوان و پاوه و... و بوجود آوردن جنگهای موضعی نظیر حوادث خونین سنندج، نقده، پیرانشهر، و کوچ دسته‌جمعی مردم مریوان، و...

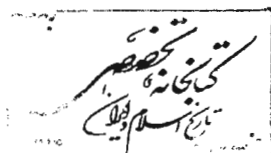
اما این سرکوبیهای غیر مستقیم بهیچوجه نتوانست به حاکمیت دوگانه در کردستان پایان بخشیده و حاکمیت رژیم را همانند دیگر نقاط ایران مستقر نماید هر حادثه‌ای از این قبیل به‌رشد آگاهی توده‌ها، به شکل و وحدت یابی هرچه بیشتر آنها، به درک عمیقتر آنها از ماهیت رژیم ضد خلقی و وابسته به امپریالیزم منجر می‌گشت. در سلسله حوادث بر شمرده شده حادثه خونین مریوان هم در اوج‌گیری جنبش کردستان و هم در مصمم شدن رژیم به سرکوبی نهایی نقطه عطفی بشمار می‌رفت. راهپیمائی‌هایی

که از طرف شهرهای مختلف مثل سنندج، بانه، سقز، و... بسمت  
مریوان انجام گرفت مرحله جدیدی از مبارزات توده‌های زحمتکش  
شهری و روستایی کرد بود: "اولا" این حرکات نقش افشاگرانه بسیار  
مهمی چه در سطح ایران و چه در سطح بین‌المللی داشت. "ثانیا"  
مشت نیروهای سازشکار و قدرت‌طلبی مثل حزب دمکرات را که در  
آن موقع در حال مذاکره و چانه‌زدن با رژیم بود باز می‌کرد (۱)  
ثالثا" در تحکیم وحدت مبارزاتی توده‌های شهری و روستایی  
نقش‌بزرگی داشت. کافست در این مورد به پشتیبانی‌های همه -  
جانیه روستائیان از این حرکات توجه نمائیم .

با توجه به مجموعه مسائل فوق بود که رژیم تصمیم به یورش  
نهایی گرفت. و همگی می‌دانیم که قبل از این یورش چگونه ابتدا  
رژیم از نظر تبلیغاتی زمینه را آماده نمود و سپس حادثه پاره را  
بهانه قرار داده و با دروغ پردازی در مورد جریانات سنندج،  
فرمان جهاد بر علیه خلق ستم‌دیده کرد از طرف خمینی صادر  
گردید اما دلیل دیگری نیز در این وجود داشت که درتهاجم  
سرکوبگرانه رژیم به کردستان نقش داشت و آن منافع مستقیمی بود  
که امپریالیزم آمریکا از این سرکوبی انتظار داشت. امپریالیزم  
آمریکا که بعد از قیام به منافعش در ایران ضربات کاری و سختی  
وارد آمده بود می‌کوشید تا خود را هرچه سریعتر و زودتر با شرایط  
جدید ایران سازگار نموده و منافع عظیم استراتژیکی خود را حفظ  
نماید لذا سیاست آمریکا بعد از انقلاب، " سیاست سرکوبی خلق،  
تجدید سازمان ارتش و حفظ روابط اقتصادی وابسته بود، و می‌بینیم  
که این سیاست دقیقا" به وسیله جناح بورژوازی لیبرال و بورژوازی

---

(۱) حزب دمکرات این راهپیمائیها را محکوم کرده و عملی چپ  
روانه دانسته بود .



کمپرادور هیئت حاکمه تعقیب می‌شد ( و می‌شود ) . در جریان کردستان امپریالیزم آمریکا می‌خواست هرچه بیشتر عناصر وابسته خود را وارد هیئت حاکمه نموده و موقعیت آنها را مستحکمتر نماید. و دیدیم که به‌دلیل نیاز رژیم به عناصر کارآمدی در ارتش، مهره‌های وابسته‌ای چون چمران و یا فرمانده جدید نیروی هوایی ( که از امرای رژیم شاهنشاهی قبلی بود ) بر سرکار می‌آیند . علاوه بر این آمریکا می‌خواست بندهای وابستگی را در این جریان هرچه مستحکمتر نماید و دیدیم که بلافاصله بعد از یورش ارتش و پاسداران به‌کردستان ، کارتر به دولت بازرگان تیریک می‌گوید واعلام می‌دارد که آمریکا حاضر است قرارداد ۲/۵ میلیارد دلاری فروش قطعات یدکی نظامی به‌ایران را اجرا نماید .

### " نتایج یورش "

نتایج حاصله از این تهاجم همه‌جانبه و سازمان یافته نظامی را در سه زمینه زیر می‌توان بررسی نمود: نتایج سیاسی و نظامی برای رژیم ، تأثیرات آن در درون خود رژیم ، و تأثیرات آن در جنبش توده‌ای کردستان .

۱- نتایج سیاسی و نظامی برای رژیم : از نظر نظامی گرچه ارتش و پاسداران توانستند در همان روزها هفته‌های اولیه شهرهای کردستان را اشغال نمایند ، و گرچه در شهرها با مقاومت کمتری روبرو گشتند ( بغیر از جنگ مقاومت سقز و جنگ در پیرانشهر ) و در ابتدا موضع تهاجمی شدیدی داشتند اما بتدریج بعلت نداشتن پایگاه توده‌ای در بین مردم کرد و اینکه خلق کرد به این ارتش و پاسداران به مثابه اشغالگر نگاه می‌کردند ، نتوانستند برنامه‌های " پاکسازیشان " را از محدوده شهرها فراتر برند و کم‌کم بایورش

همه‌جانبه پیشمرگهای قهرمان کرد، از موضع تهاجمی به‌موضع تدافعی افتادند تا بدان حد که حتی در خود شهرها نیز از امنیت برخوردار نبوده و مجبور شدند زیر فشار مقاومت توده‌ای مراکز اشغالی را تخلیه نموده و در اکثر شهرها به پادگانها بازگردند. در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که رژیم نتوانست به اهداف نظامی خود که "پاکسازی" منطقه کردستان از عوامل به‌اصطلاح "ضد - انقلاب" بود برسد.

از نظر سیاسی وضع رژیم خیلی بهتر از وضع نظامی نبود، رژیم با تبلیغات دروغین و مغرضانه‌اش از مدت‌ها پیش زمینه را برای بسیج توده‌ها بر علیه خلق کرد فراهم نموده بود و در همان روزهای اول انبوهی از توده‌ها خود را آماده می‌کردند که به کردستان رفته و با عوامل صهیونیسم، امپریالیسم، پالیزیان، اویسی و ... مبارزه نمایند. اما در اثر مقاومت‌های دلیرانه خلق کرد از یکطرف و افشاگریهائی که نیروهای کمونیستی و انقلابی در سراسر ایران از حوادث کردستان می‌نمودند از طرف دیگر، به تدریج توهم توده‌ها نسبت به اوضاع از بین رفته و رژیم دیگر نتوانست پشتیبانی وسیع مردم ایران را در سرکوبی خلق کرد همراه داشته‌باشد، و شاهد بودیم که مردم سراسر ایران در پی هر حرکت و هر اعتراض انقلابی نسبت به رژیم، مساله شعار همبستگی و اعلان پیوند مبارزاتی خودشان را با مبارزات خلق کرد ابراز می‌داشتند.\* و هرچه زمان می‌گذشت جنایات ضد خلقی رژیم در کردستان بیشتر میشد و در نتیجه از نظر سیاسی بیش از پیش رسوا شده و منفرد می‌گشت. سونده‌های فرار

\* از قبیل رشت، مبارزات صیادان انزلی، اعلام همبستگی خلق بلوچ، مبارزات دانشجویان و دانش‌آموزان در پشتیبانی از خلق کرد و ...



پاسداران ، تظاهرات خانواده‌های پاسداران و ... از این قبیل است .

۴- جناح‌های هیئت حاکمه از همان ابتدای برخورد با مساله کردستان در سرکوبی خلق کرد متفق القول بوده و اما در شیوه‌های سرکوبی یک راءى نبودند . بخشی از هیئت حاکمه یعنی خرده بورژوازی مرفه سنتی و نمایندگانش به دلیل خصلت و سرشت ارتجاعی و کور و عقب‌مانده‌شان همیشه خواستار سرکوب کور و فاشیستی خلق کرد بوده‌اند و می‌خواستند همان‌طور که در سایر نقاط ایران صداها و اعتراضات حق‌طلبانه زحمتکشان را به‌توسط ازگانهای سرکوب خود یعنی کمیته‌ها و پاسداران با گلوله پاسخ می‌دادند ( نمونه بارز آن اخیراً " کشتار صیادان زحمتکش‌انزلی ) در کردستان نیز بهمین شکل عمل نمایند . بیاد آوریم نطق خمینی را در ۲۶ مرداد که چگونه پس از یورش به مطبوعات ، دفاتر سازمانها به‌توسط دستجات و گروه‌های راست ارتجاعی از بر پایی چوبه‌های دار برای نابودی انقلابیون سخن می‌گفت . اما جناح دیگر که در قالب دولت تجلی می‌یافت به‌دلیل ماهیت بورژوائیش با مساله عقلائیتز برخورد نموده و می‌خواست هم از طریق‌سازش و هم از طریق سرکوب پیش برود . مثلاً " مدتی قبل از یورش رژیم به‌کردستان ، هیئتی از حزب دمکرات به‌رهبری قاسملو سفری به قم نمود که خمینی با این هیئت مذاکره نمود ، اما دولت موقت حاضر به مذاکره شد و حزب دمکرات بدور از چشم‌توده‌هایی که بد او اعتقاد داشتند ، با دولت به‌توافق رسید که ارتش دربیرون از شهر مهاباد مستقر شود . در جریان یورش علیرغم اختلاف در روش ، این‌دوجناح باهم توافق نظر داشته و دیدیم که چگونه‌بازرگان در همان‌روزهای اول در رادیو و تلویزیون به ملت ایران تبریک گفت . اما بعد از شکست نظامی در کردستان باز مجدداً " شیوه

برخورد بورژوازی غالب گشته و رژیم در مجموع به نظرات افرادی چون فروهر که خواهان " تفاهم،؟؟؟!! و حسن نیت؟؟؟!! بودند تسلیم گشت! ارتش در سطوح بالاتر علیرغم روی کار آوردن مهره - های کارآمد وابسته به امپریالیزم چون چمران و فرمانده جدید نیروی هوایی، در سطوح پائین تر تضادهای درونی اش بیشتر رشد نمود. و دیدیم که چگونه " فرمانده کل قوا - خمینی " برای حفظ انضباط درونی ارتش دستورهای غلیظ و شدید صادر نمود، و در روزنامه‌های مترقی و انقلابی بارها نمونه‌هایی از تمرد و سرپیچی از فرامین در جهت کشتار خلق کرد، چه در پادگانهای کردستان و چه در پادگانهای دیگر خواندیم. بطور خلاصه می‌توان گفت که نتیجه این یورش و انعکاس آن در ارتش، تمرکز در بالا و تشتت در پائین بود.

۳- جنبش کردستان در ابتدا بجز جنگ مقاومت حماسه آفرین سقز، در مجموع نتوانست در مقابل این یورش، مقاومت سازمان یافته‌ای بنماید. در روزهای اولیه اشغال به دلیل سرزدن اعمال فاشیستی و جنایتکارانه از پاسداران و ارتش و جلادانی چون خلخالی و چمران، بنظر می‌رسید که جنبش مقاومت توده‌ها بظاهر سرکوب گشته است اما بتدریج با گذشت زمان حرکات اولیه مقاومت در شهرها شکل گرفت. در مناطق روستایی نیز نیروهای انقلابی بعد از پراکندگی و سراسیمگی اولیه، با پشتیبانی توده‌های روستایی توانستند ضربات کاری و بسیار موثری را بر اشغالگران وارد سازند. تا سرانجام بعضی از شهرها و عمده مناطق روستایی آزاد شدند. و رژیم شکست نظامی را در کردستان متحمل شد. خلق کرد متحد و یکپارچه‌تر ( از مزدوران و خودفروشان که بگذریم ) از پیش به پا خواست و در مقابل یورش سبعانه ارتجاع به مقاومت حماسه آفرینی دست زد. در این مبارزات دلیرانه پیشمرگان خلق کرد که از حمایت

همه‌جانبه و وسیع خلق زحمتکش کرد برخوردار بودند بار دیگر نشان دادند که نیروهای انقلابی و زحمتکش با پشتوانه توده‌های ملیونی چه حماسه‌ها و مقاومت‌های چشمگیری می‌توانند از خود نشان بدهند. منطق کور و ارتجاعی هیئت حاکمه به او اجازه نمی‌داد که بتواند درک کند اعلام جهاد علیه خلق کرد و بسیج و گسیل وحشیانه نیروهای سرکوبگر خود و اعدام‌های فاشیستی فرزندان خلق، کردستان را به گورستان خود آنها تبدیل خواهد نمود. بادرسیهای گرانبهایی که خلق کرد از مقاومتها و دلاوریهای خود آموخت بیش از هر زمان دیگری مصمم تر و قاطعانه‌تر بر روی خواسته‌های عادلانه و انقلابی خود پافشاری خواهد نمود.

" چرا رژیم مذاکره و سازش را مطرح می‌کند؟ "

سرسختی و دلیری خلق کرد و درگیرشدنشان در مبارزات سخت و خونین و شکست نظامی که رژیم در کردستان متحمل‌گشت و نتوانست به هدفهای معین نظامی خود دست‌یابد همانا عامل اصلی است که رژیم ضد خلقی را مجبور به پیش کشیدن مذاکره و سازش کرده‌است. این عامل اصلی و عوامل دیگر نظیر شدت‌یابی بحران و وخامت اوضاع اقتصادی و سیاسی جامعه و نارضایتی عمیق و شدید توده‌های زحمتکش در سراسر ایران \* که ناشی از دست نخوردن نهادهای اقتصادی سرمایه‌داری وابسته و بی‌برنامه‌گی رژیم برای

---

\* البته در اینجا بحثی از حرکت به اصطلاح ضد امپریالیستی هیئت حاکمه نشده است، که دقیقاً " در رابطه با همین بحران فزاینده جامعه می‌باشد و در بیانیه منتشر شده از طرف سازمان توضیح داده شده‌است.

حل مسائل نظیر بیکاری، تورم و... همراه با عملکردهای ارتجاعی و عقب مانده جناح خرده بورژوازی هیئت حاکمه و شدت یابی تضادهای درونی خود رژیم و وجود جناحهای متعددی در درون آن که برسر قدرت درگیر مبارزه بوده و هستند اضافه می شود. لذا می توان این چنین نتیجه گیری نمود، که هدف رژیم از مذاکره به قرار زیر است:

۱- برخورد تاکتیکی با مقاومت یکپارچه و مبارزات خونین خلق کرد، یعنی با این برخورد رژیم می خواهد با تکیه بر نیروهای سازشکار و کشیدن آن بسمت خود و دادن وعده خودمختاری و امتیاز به این جناح بخشی از توده های مردم را جذب نماید تا با اتکا به آن، جناح مترقی و انقلابی و سازش ناپذیر را منفرد نموده و درهم کوبد. البته در اینجا جای آن نیست که بطور مفصل روی این موضوع بحث شود که آیا رژیم خودمختاری خواهد داد یا نه، و حدود خودمختاری که رژیم می دهد در کجاست چرا که این بحث احتیاج به نوشته و تحلیلی دیگر دارد. اما بطور خلاصه می توان گفت که خواسته های خلق کرد و دیگر خلقها (عرب، بلوچ، ترکمن، و...) که در مرحله فعلی در قطعه نامه های هشت ماده ای مه آباد و سندنج آمده و بارها در تظاهرات محتوای آنها مورد تأیید توده های خلق قرار گرفته است، با ماهیت رژیم وابسته و ارتجاعی در تضادهای بس عمیق و آشکار است. این رژیم از همان ابتدا بخوبی از خواسته های خلق کرد آگاهی کامل داشته، ولی دیدیم بجای جواب مساعد به این خواسته ها گلوله و بمب تحویل خلق کرد داد و چه خوب که این خلق گلوله را با گلوله پاسخ داد. حال که رژیم به موضع ضعف و ناتوانی افتاده است به حيله جدیدی متوسل شده است و هیئت "حسن نیت" روانه کردستان می کند. خواست خلق کرد در واقع خواستی نیست که در چارچوب این رژیم بگنجد و خواستی نیست که راه حل سیاسی و مذاکره و سازش برای آن متصور شود و خواستی نیست که

رژیم بخواهد یا بتواند به طور مسالمت آمیز آن را حل نماید. همانطور که قبلاً " نیز اعلام نموده ایم خواسته های واقعی و انقلابی خلق کردنها در جمهوری دمکراتیک خلق می تواند برآورد گردد .

۲- ایجاد آتش بس در کردستان و وقفه در مبارزات مسلحانه خلق کرد به رژیم فرصتی مجدد می دهد که بتواند به اوضاع خود سر و سامان بخشد . چرا که همانطور که گفتیم لشکرکشی به کردستان و عواقب آن بازتابی گسترده در درون هیئت حاکمه و در تشدید تضادهایش در سطح جامعه داشت . چه بسا ادامه این وضع ، اوضاع را بحرانی تر ساخته و گسترش جنگ داخلی به سایر نقاط را اجتناب ناپذیر می سازد .

۳- شکست نظامی رژیم در کردستان در نتیجه تشدید تضادهای درونی ارتش و همچنین ناهماهنگی و برخوردهای متعدد بین ارتش و سپاه پاسداران از یکطرف و آشکار شدن ماهیت تجاوز ارتجاع به خلق کرد در بین بخشهایی از سپاه پاسداران و سربازان و درجه داران جزء ارتش که به ترک و فرار و اعتراضات بیشمار آنها منجر گردیده ، می باشد. رژیم احتیاج به فرصتی دارد که بتواند به تقویت روحیه سربازان و درجه داران جزء ارتش و همچنین سپاه پاسداران پرداخته و در موقعیت مناسبتری دوباره به سرکوب وحشیانه و ددمنشانه خلق کرد اقدام نماید .

۴- فرماندوم قانون اساسی مجلس " خیرگان " و تشکیل مجلس شورای ملی و انتخاب رئیس جمهور . . . احتیاج به آن دارد که حتی امکان در محیطی آرام انجام گیرد و بتواند وسیعترین توده های خلق را به پای صندوقهای رای بکشد . در سطح کل جامعه نیز به تبلیغات عوامفریبانه خود مبنی بر " حسن نیت " و راهحلهای صلح آمیز و غیره کوشش مذبحانهای را در جهت کسب حیثیت از دست رفته خود بنماید .

## "مذاکرات و چشم‌انداز آینده جنبش کردستان"

تصور دست‌یابی به حقوق ملی و خواسته‌های دمکراتیک وض  
امپریالیستی توده‌های زحمتکش در چهارچوب چنین حکومتی بجز  
خام‌خیالی و ساده‌لوحی چیز دیگری نمی‌تواند باشد. خواستها و  
اهداف واقعی توده‌های زحمتکش خلق کرد و کلیه خلقهای ایران  
تنها می‌تواند درحکومت جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه  
کارگر برآورده شود. اما این بهیچ‌وجه به آن معنا نیست که تا  
برقراری جمهوری دمکراتیک خلق نیروهای مترقی و انقلابی خلق  
کرد نباید و یا نمی‌توانند امروزه با پشتوانه مبارزه سیاسی –  
نظامی خود و با اتکاء و پشتیبانی نیروهای انقلابی سایر نقاط به  
پای مذاکره با رژیم بیروند. آنچه در مورد مذاکره مهم است تشخیص  
موقعیت جنبش و ارتجاع و اهداف و انگیزه شرکت در این مذاکرات  
می‌باشد. قدرت حاکمه بدنبال شکست مفتضحانه نظامی، سیاسی،  
که در کردستان متحمل گردیده است امروزه عوامفربانه دم از  
مذاکره و راه حل مسالمت‌آمیز و ... می‌زند. هدف اساسی رژیم  
که در زیر ماسک "حسن‌نیت"، "و تفاهم" دنبال می‌کند جلب  
بخشهای سازشکار و منفرد نمودن جناحهای مبارز و انقلابی خلق  
کرد و فراهم نمودن فرصت مناسب برای بازسازی ارگانهای سرکوبگر  
خود و تدارک نظامی – سیاسی مجدد برای هجوم دوباره‌اش و ...  
می‌باشد. اینکه این مذاکرات کاملاً "بر رژیم تحمیل شده و همچنین  
حل مسالمت‌آمیز مسائل کردستان یک حرکت عوامفربانه و توطئه  
نوبنی است برای ایجاد تفرقه در اپوزیسیون شکی نیست، اما  
اینکه رژیم بنا بر ماهیت ضد انقلابی و ارتجاعی علی‌رغم خواست  
واقعی خود حاضر به قبول مذاکره با نیروهای مبارز و انقلابی شود  
بستگی به عوامل و فاکتورهای متعددی دارد از قبیل چگونگی سیر

تضادها و بحرانهای درونی هیئت حاکمه مساله اینکه آیا رژیم بتواند بطور جداگانه با جریانات سازشکار به توافق برسد یا نه ، چگونگی برخورد سیاسی که نیروهای میانه و انقلابی چه در کردستان و چه در سطح کل ایران در آگاه نمودن و بسیج توده‌ها و...، (که بطور مشخصی نمی‌شود آن را پیش بینی کرد.) با در نظر گرفتن نکاتی که ذکر گردید و اینکه چشم‌انداز آینده هجوم دوباره مغول‌آسای رژیم را می‌توان محتمل دانست ، بطور فشرده سیاست و اهداف شرکت نیروهای مبارز و انقلابی را در مذاکرات بیان می‌کنیم :

- ۱- شرکت در این مذاکرات باید همراه باشد با کار آگاه - گرانه و روشنگرانه در مقابله با بوجود آمدن توهم \* در بین توده‌ها که این رژیم قادر است به خواست و منافع واقعی خلق کرد و یا مجموعه خلقهای ایران گردن نهد .
- ۲- با اتکا به نیروی مسلح توده و مبارزه قاطع سیاسی - نظامی رژیم را سنگر به سنگر به عقب‌نشینی وادار نمود و با قراردادن نش در یک موضع ضعف او را مجبور به دادن یکسری امتیازات نموده و با تحکیم دست‌آوردهای مبارزاتی خود به‌گسترش آن بپردازند.
- ۳- با بردن تمام جریانات مورد مذاکره در بین توده‌ها و بویژه خلق کرد دربالا بردن آگاهی و هشیاری آنها به حقوق حقه خود کمک‌نمائیم .
- ۴- با شرکت خود در این مذاکرات ماسک عوام‌فریبانه قدرت حاکم را در مورد "حسن تفاهم" و "حسن نیت" و راه حل مسالمت

---

\* نمونه این توهم را می‌توان رقص و پایگویی مردم مهاباد که از طرف نیروهای سازشکار دامن زده می‌شد ، پس از صادر شدن اطلاعیه‌گذاری خمینی ذکر کرد .

آميز و ... از چهره جنگ افروز او پاره کرده، بار ديگر نشان بدهيم که بين خلق هاي ستمکش ايران و هيئت حاکمه هيچگونه حسن نيتي و تفاهمي نمیتواند موجود باشد. بنا بر اين خود اين مذاکرات را بعنوان ابزاري در مبارزه عليه قدرت حاکمه و منفرد نمودن او مورد استفاده قرار دهيم .

۵- اين مذاکرات بعنوان یک عامل و فاکتور کمک ديگري می تواند در روشن نمودن ماهيت طبقاتي و اهداف و منافع نيروهاي شرکت کننده در اين مذاکرات مورد استفاده قرارگيرد و ...

### "وظايف نيروهاي م - ل و انقلابي در اين شرايط"

همانطوریکه گفته شد جامعه وارد در دوران اعتلاي نويني گريده است و با توجه به رشد ناهمگون و ناهماهنگ انقلاب و بالا بودن سطح مبارزات در کردستان تا حد مبارزه مسلحانه و از آنجا که مبارزه توده هاي زحمتکش خلق کرد نمیتواند خود را از مبارزات خلق هاي ستم ديده جاهاي ديگر ايران جدا کند . اعتلاي انقلابي بالای جنبش کردستان نسبت به ساير نقاط ايران و همچنين بيوند ناگسستني بين اين مبارزات با مبارزات ضد امپرياليستي و دمکراتيک کل خلق هاي ايران و وظايف اساسي و ویژه اي را امروزه در مقابل نيروهاي انقلابي م - ل قرار مي دهد، که بطور خلاصه ميتوان گفت :

۱- تابع نمودن مبارزه ملي خلق کرد با مبارزه طبقاتي (مساله ارضي بطور مشخص در اينجا) . بدین صورت که بايد بتوانيم هرچه بيشتري و وسيعتر توده هاي زحمتکش دهقاني را به روي منافع و خواسته هاي طبقاتي شان (خواست زمين بطور عمده) بسپاريم و اجازه داده نشود که زمينداران و بورژوازي زيرما سک مساله ملي به اهداف استثمارگرانه و قدرت طلبانه خود دست يابند . بسپاريم و وسيعترين نيروهاي زحمتکش کرد در جهت کسب حقوق طبقاتي و ملي بزرگترين تضمين تداوم انقلاب و مقابله با هرگونه سازش و تسليم طلبي خواهد بود .

۲- شرکت فعال در بوجود آوردن و شرکت در تشکلات حاکميت هاي توده اي . از قبيل شوراهای شهر و روستا و اتحاديه هاي دهقاني که با اتکا به نيروهاي مسلح پيشمرگه و توده هاي مسلح دهقانان بعنوان ارگانهاي حاکميت توده و بانظم انقلابي خودشان استوار مي گردد .

۳- پيروي جنبش انقلابي خلق کرد در گرو پيروي جنبش



انقلابی در سراسر ایران است. از اینرو لازم است که درجهت تحکیم پیوند و ارتباط فعال این دو تلاش نمود. از یکطرف بایستی با کار تبلیغی و ترویجی فعال در بین کلیه خلقهای زحمتکش ایران و بویژه طبقه کارگر درجهت بردن خواستهای عادلانه خلق کرد و خنثی و افشا نمودن تبلیغات عوامفریبانه ارتجاع وسیعترین اقشار و طبقات زحمتکش را به پشتیبانی از مبارزات خلق کرد بسیج نموده و به حمایت فعال از آن مبارزات بکشانیم. از طرف دیگر بایستی با کار فعال و آگاهگرانه در بین توده‌های زحمتکش خلق کرد پیوند ناگسستنی مبارزات انقلابی آنها را با مبارزات دمکراتیک و ضد امپریالیستی سایر نقاط ایران توضیح داده و اینکه خواستها و اهداف زحمتکشان کلیه خلقهای ایران تنها در جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر است که بدست می‌آید.

۴- کمونیستها و نیروهای انقلابی باید کوشش مستمری را در جهت افشاء و منفرد نمودن جریانات سازشکار و وابسته که در زیر لوای حقوق ملی خلق کرد خود را پنهان نموده اند انجام بدهند و اجازه ندهند که خون توده‌های انقلابی خلق کرد و وجه المصالحه این جریانات برای بقدرت رسیدن و امتیاز گرفتن و مماشات با ارتجاع حاکم قرار بگیرد.

۵- همانطور که جلوتر گفته شد خواستها و اهداف واقعی توده‌های زحمتکش خلق کرد در توان این رژیم نیست که بتواند آن را برآورده کند بدین جهت باید انتظار یورش وسیع و همه جانبه رژیم را بعد از یک دوران تنفس برای سروسامان دادن به اوضاع سیاسی، نظامی خود را داشت. بدین جهت باید در تدارک سیاسی - تشکیلاتی و نظامی و آمادگی کامل برای مقابله با حمله مجدد ارتجاع و همچنین تحکیم و گسترش دست آورده‌های انقلاب کوشید. تبلیغ مسلحانه و مسلح نمودن توده‌ها در شرایط ویژه کردستان بعنوان یک وظیفه مشخص و مهم باید انجام گیرد.

پرتوانتر باد جنبش انقلابی خلق کرد!

بزرگ بر مرتجعین و سازشکاران!

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

برقرار باد کردستان خودمختار!

کمیته مرکزی  
سازشکاران  
۱۳۳۵

دانشجویان و دانش آموزان

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

قیمت ۲۰ ریال